

علی اکبر ولایتی



■ ۱۳۲۴ خورشیدی
■ وزیر امور خارجه

ولایتی در دوره دفاع مقدس، مسئولیت‌های مهمی را تجربه کرد؛ نمایندگی مردم در تهران، عضویت در شورای عالی دفاع و البته وزارت امور خارجه. او در قامت ریاست دستگاه دیپلماسی، به فعال کردن دیپلماسی جنگ پرداخت و برای احقاق حقوق ملت ایران، به رایزنی‌های بین‌المللی پرداخت. ولایتی پس از پایان جنگ نیز رئیس هیات دیپلماسی ایران در مذاکرات سه‌جانبه با عراق بود.

سید کمال خرازی



■ ۱۳۲۳ خورشیدی
■ ستاد تبلیغات جنگ

خرازی هم‌زمان با مدیرعاملی خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) در زمان جنگ ایران و عراق، مسئولیت ستاد تبلیغات جنگ را نیز در سال‌های دهه ۶۰ بر عهده داشت. ستاد تبلیغات جنگ سازمانی بود، که ابتدا در دفتر خبرگزاری ایرنا که در آن دوران خبرگزاری پارس نام داشت تأسیس شد. شایان‌ذکر است که این سازمان زیر نظر مستقیم شورای عالی دفاع ملی تأسیس شد.

سید محمود دعایی



■ ۱۳۲۰ خورشیدی
■ سفیر ایران در عراق

دعایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوایل سال ۱۳۵۸ به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق عازم بغداد شد. اما به دنبال اعتراض به دخالت‌های مأمورین عراقی در امور داخلی ایران به دستور وزارت خارجه در اسفند ۱۳۵۸ به ایران بازگشت. از سید محمود دعایی روایت‌هایی درباره علل حمله صدام حسین به ایران منتشر شد که بلافاصله مورد تکذیب او قرار گرفت.

معروفی ایشان در این مقطع گفتند که من در کتاب خاطراتم هم آورده‌ام. به همراه ایشان به ملاقات شیخ صباح وزیر خارجه وقت کویت که بعداً امیر کویت شد رفتیم. بعد از اینکه این دیدار به پایان رسید شیخ الاسلام جمله‌ای را در زمینه جنگ ایران و عراق به من گفت که به وزیر خارجه کویت انتقال بدهم. شیخ به من گفت برو داخل - انگشت اشاره‌اش را هم به علامت عتاب تکان می‌داد - به وزیر بگو: «سرباز پیروز نصیحت نمی‌پذیرد». این جمله برای مرحوم شیخ است. من این جمله را به شیخ صباح گفتم و او گفت: این حرف یعنی چه؟ کویت جزیره‌ای به نام بوبیان داشت. عراقی‌ها از کویت خواسته بودند که این جزیره را در اختیارشان قرار دهد. از تهران هم به من تلکس می‌زدند که به کویتی‌ها بگو که بوبیان را در اختیار آن‌ها قرار ندهند. اگر این منطقه در اختیار عراقی‌ها قرار می‌گرفت کار در فو برای رزمندگان ما مشکل می‌شد. معنای جمله شیخ الاسلام این بود که نیروهای نظامی ما وقتی پیروز شوند دیگر حرف دیپلمات‌ها را گوش نمی‌دهند. اگر بوبیان را بگیریم دیگر پس نمی‌دهیم.

ذکر این‌ها خاطره نشان می‌دهد که مرحوم شیخ الاسلام تنها دیپلمات نبود، بلکه دیپلماتی انقلابی بود و به قول وزیر امور خارجه کشورمان او یک سردار سلیمانی وزارت امور خارجه بود که همواره درصد ایجاد هماهنگی در دستگاه‌های مسئول در دیپلماسی کشور در جهت رشد و اعتلای محور مقاومت با مرکزیت جمهوری اسلامی ایران بود. حسین شیخ الاسلام تا روزهای پایانی حیات خود در اسفند ۱۳۹۸ نیز این وظیفه خطیر را وانهاده و در هر پست و مقامی که بود در پی تقویت جبهه مقاومت و تزریق نگرش انقلابی به دستگاه دیپلماسی عمومی کشور بود.



چه‌بسا همکاری مستقیم وی به‌عنوان معاون سیاسی امور خارجه با شهید رجایی در دوران نخست‌وزیری او و هم‌زمان سرپرستی وزارت امور خارجه تفکر و سلوک و عمل انقلابی و جهادی را در او عمق بخشید و غنای بیشتری به او داد. سابقه سفارت در سوریه و همچنین مشارکت در شکل‌گیری حزب‌الله لبنان از دیگر فرازهای مهم زندگی سیاسی شیخ الاسلام بود. حسین شیخ الاسلام چه در زمان معاونت سیاسی و چه در زمان معاونت عربی آفریقایی بارها به لبنان سفر کرد

گفتم من استخاره‌ای هستم. همان‌جا تلفن کردیم و گفتیم استخاره کنند که این یکی از آیات سوره حج است. آیه نشان می‌دهد اولش سخت است ایشان فرمودند که اولش سخت است ولی آخرش خوب است انجام بدهید و واقعاً اولش سخت بود: ما ارسلنا من قبلك من رسول و لانبی الا اذا تمئی القی الشیطان فی امنیته فینسخ الله ما یلقى الشیطان ثم یحکم الله آیاته واللّه علیم حکیم» واقعاً وقتی وارد وزارت خارجه شدیم همه در مقابل ما موضع گرفتند چون اصل وزارت خارجه که شاهنشاهی بود. خوب خوب‌هایش بنی‌صدری و نهضت آزادی بودند. حالا شهید رجایی این را از دست بنی‌صدر و این‌ها درآورد که واقعاً سخت بود. استخاره که خوب آمد خدمتشان عرض کردم استخاره خوب آمده است. حکم را امضا کرد. خدا رحمتش کند در عین محکمی خیلی باالطاف برخورد می‌کرد. دست کرد در کشوی میزش یک عطر درآورد داد دست من و گفت: حسین! هر سمتی یک ظاهری می‌طلبد ما فهمیدیم باید برویم ریش بزنیم، کتوشلوار تنمان کنیم و بیاییم. گفت فلان موقع فلان روز به وزارت خارجه بیایید، من هم می‌آیم شما را معرفی کنم.

این سرآغازی بود بر ۱۶ سال خدمت شیخ الاسلام در وزارت خارجه در سمت معاونت سیاسی. سمتی که مهم‌ترین مسئله‌اش جنگ تحمیلی بود. شیخ الاسلام نه تنها به عراق بلکه دیگر همسایگان عراق و ایران نیز توجه ویژه‌ای در این دوران نشان می‌داد. یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های مرحوم شیخ الاسلام تعامل با کشور کویت بود.

محمدرضا باقری در خاطرات خود این چنین نقل می‌کند: شیخ الاسلام در مدت مأموریت من در کویت چند بار به آنجا آمد و ملاقاتی با امیر کویت و وزیر خارجه‌شان داشت. یک جمله

